

نمایش
میخ‌ها و
چوب‌ها

فرهنگی و هنری

مانده کربمی
کارشناس ارشد تاریخ

در باور زرتشتی‌س‌ هر روز نامی دارد و هر نام معنایی. گذشتگان ما با نام نهادن بر روزها و ماه‌ها برای ما پیام بزرگی داشته‌اند و خواسته‌اند ما با آغاز هر ماه و هر روز، زمان و فرصت‌های زندگی را ارج بنهیم و هرگز از معنای نام‌ها، غافل نشویم. پس چه بهتر که ماه شهریور و در جشن شهریورگان به مفهوم شهریاری نفس بر خویش پی ببریم و با همه دس‌واری‌های زندگی، اندیشمندانه به رویاری بپردازیم.

آزرجشن از جمله جشن‌های دوازده‌گانه سال ایران باستان و از جشن‌های آتش بوده است. روز چهارم از هر ماه به نام شهریور و چهارم ماه شهریور جشن شهریورگان است.

به موجب یزدان‌شناسی اوستایی شهریور میان امشاسپندان یا ملانک و ایزدان شش‌گانه از لحاظ مرتبت و مقام دومین است. نخست پهمن و دوم شهریور. این نام در اوستا «خشتر وئیریه» آمده که «خشتر» به معنی کشور و پادشاهی و «وئیریه» به معنی آرزو شده است و روی هم به معنی پادشاهی یا کشور آرزو شده و مجازاً به مفهوم عام از آن بهشت نیز اراده شده‌است.

همچنین نام شهریور به معنای تقریبی «شهر و شهریاری (شهرداری) آرزمانی و شایسته» است. چنین می‌نماید که این اندیشه و آرزمان، خاستگاه نظریه‌های افلاطون و فارابی در زمینه آرزمان‌شهر یا مدینه فاضله بوده باشد. نام شهریور چند بار به همین معنا در گات‌های زرتشت نیز آمده است و بعدها در اوستای نو، او را به گونه‌ای تشخیص‌یافته به پیکر یکی از امشاسپندان در می‌آوردند.

چنان‌که همه امشاسپندان دارای دو وجه

کتاب «بییتی که گشاده شد در آن کو» گزیده غزلیات مولانا منتشر می‌شود.

رضا روزبهانی، گردآورنده این غزلیات گفت: از زمانی که اصل اصلی این گزینش را شروع کرده‌ام یعنی از حدود سال ۱۳۸۲ تا شهریور ۱۳۹۵، نزدیک به تمام گزیده‌هایی را که از غزلیات شمس منتشر شده خوانده‌ام؛ تقریبا در تمامی آن‌ها صرفا شورانگیزی و وجه سماعی شعر مولانا مورد نظر بوده گونه‌ای سلیقه ورزی که بنده اکیدا از آن پرهیز کرده‌ام.

روزبهانی گفت: «آن چه در این گزینه مورد نظر بنده بوده جنون شاعرانه‌ای ست که در بسیاری شعرهای مولانسا می‌توان دید و این‌ها را در بالاترین حدود ادبیات جهان نشانده. همانی که در صورت و درون برخی شعرهای دیوان کبیر تماشایی است».

او گفت: «در زبان و نحو زبان، احساس، تصاویر و شکل تصویرسازی مولف، در فضاسازی و فرم، در تکنیک و محتوا. همه در بی‌چونی و آن شطاحانه مولف رخ داده. یعنی چیزی که جوهره اصلی شعر

مینوی و زمینی هستند این امشاسپند در جهان مینوی نماینده قدرت و شهریاری مطلقه اهورامزدا و در زمین نگاهبانی و سرپرست فلزات و جنگ ابزارها و سلاح‌ها بود محول است.
شهریور روز به نام امشاسپند توانای خسترا یا شهریور است این فرشته مظفر سلطنت آسمانی و قدرت رحمانی و همیشه خواهان فر و بزرگی و نیرومندی است، در جهان مادی نگره‌بان زر و سیم و فلزات دیگر و دستگیر بینوایان و فرشته رجم و مروت است؛ پادشاهان دادگر در تحت حمایت این فرشته مقدر هستند.

نظر به همین صفات پاک است که ایرانیان قدیم این روز را جشن می‌گرفتند و به فقرا احسان و اطعام می‌کردندچون این جشن به پادشاهان دادگر بستگی دارد که نماینده سلطنت آسمانی هستند لذا معمولا در این جشن باید به حضور پادشاهان بروند و شادباش بگویند. سپس توبال‌های کهنه را از انبارها بیرون می‌آوردند و نو می‌کردند و پس از آن به شادی و پایکوبی می‌پرداختند.

برای جشن شهریورگان از دو گونه دیگر می‌توان برتری قائل شد اول اینکه در این ماه محصولات کشت و زرع جمع آوری می‌شود و چون معمولا برای به‌دست‌آوردن نتیجه هر کاری جشن و شادی لازم است لذا شهریورگان به‌مناسبت نتیجه‌گرفتن از نعمت کشت و کار و به‌دست آوردن محصولات به‌خصوص برای کشاورزان بهترین جشن وشادی است و در واقع جشن سر خرمن می‌باشد.
دوم اینکه در این ماه پاییز کاری شروع می‌شود و چون معمولا هر کار نیکی را با شادی باید آغاز کرد از این لحاظ جشن شهریورگان را می‌توان آغاز فصل جدید دیگری از هنگام کشت و زرع دانست و آن‌را مورد احترام قرار داد با دلایلی که ذکر شد

گالری ایوان در جدیدترین نمایشگاه خود، میزبان آثاری از یک هنرمند ۷۰ساله است که تجربیات هنری چند سال اخیر خود را به‌نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه سوم شهریورماه با نمایش سه مجموعه از آثار اکبر نعمتی افتتاح می‌شوددر این نمایشگاه علاوه بر مجسمه، مجموعه‌ای از آثار جمعی که به وسیله سوزاندن چوب به‌وجود آمده‌اند و همچنین چیدمان‌هایی با میخ نمایش داده می‌شود. گالری ایوان مانند نمایشگاه‌های گذشته، درصد متعلق به خود از محل فروش این آثار را به یکی از خیره‌های معتبر اهدا خواهد کرد. نمایشگاه آثار اکبر نعمتی ۳ تا ۱۰ شهریورماه ۱۳۹۶در گالری ایوان به آدرس الهیه، خیابان مهدیه، خیابان چپه، کوچه لسانی، بن‌بست حمید، شماره ۱ برقرار است.

علاقه‌مندان می‌توانند هر روز به‌جز شنبه‌ها در ساعت ۱۶ تا ۲۰ از این آثار دیدن کنند.

شهریورگان یا آذر جشن

جشن شهریورگان به‌خصوص برای کشاورزان از لحاظ جمع آوری محصول و به‌دست آوردن خرمن و همچنین از نقطه نظر شروع به‌کار پاییز بهترین جشن و شادمانی است و به همین جهت است که نسبت به آن احترام زیادی قائل هستند و با شادی فراوان مراسم آن‌را به‌جای می‌آورند.

این جشن آتش‌های خانگی محسوب می‌شد. مردم در خانه‌ها آتش می‌افروختند و ستایش خداوند و شکر نعمت‌های او می‌گزاردند. در خانه‌ها اغلب مهمانی برپا کرده و خوراک‌های متنوع و ویژه تیارک می‌بینند و به مناسبت تغییر هوا شب هنگام در با‌ها نیز آتش می‌افروزند اما متأسفانه بقایای این جشن نیز میان زرتشتیان فراموش شده و فقط برخی از خانواده‌های قدیم در کرمان به گونه محدودی این جشن را برگزار می‌نمایند. برگزار نشدن آیین‌های جشن شهریورگان توسط ایرانیان در زمانی طولانی، موجب شده است تا همه جزئیات آن به فراموشی سپرده شود و حتی در متون کهن نیز آگاهی‌های چندانی در باره آن فرا دست نیاید.

زایش داراب و مرگ مانی

بر اساس متون ایرانی، جشن شهریورگان یا چهارم شهریورماه، بلکه همزمان با جشن زانروز (کورش) و جشن درگذشت یا جانبختن مانی نیز هست. هم‌زمانی این دو رویداد اخیر از نگرگاهی دیگر نیز توجه برانگیز است: از سویی هنگام زایش پادشاهی بلندآوازه و کوشش‌گر آرزمان‌شهر ایرانی؛ و از سویی دیگر مرگ مانی درست در همین روز و دست‌آورد سلطه میدیان

به این ترتیب، چهارم شهریورماه نه تنها هنگام جشن شهریورگان، بلکه همزمان با جشن زانروز داراب (کورش) و جشن درگذشت یا جانبختن مانی نیز هست. هم‌زمانی این دو رویداد اخیر از نگرگاهی دیگر نیز توجه برانگیز است: از سویی هنگام زایش پادشاهی بلندآوازه و کوشش‌گر آرزمان‌شهر ایرانی؛ و از سویی دیگر مرگ مانی درست در همین روز و دست‌آورد سلطه میدیان

است و به تلقی مدرن و معاصر از شعر خیلی نزدیک است.»

روزبهانی توضیح داد: شعرهایی که در آن‌ها بی‌رنگ بعضی جریان‌ها و مکاتب هنری سدرن را می‌توان دید، آن‌هایی که نشانه‌های روشنی از جریان سیال ذهن، سوررئالیسم، فرم و بسیاری تکنیک‌های مدرن و پاسمدرن دارند.

این شاعر و پژوهشگر معاصر گفت: اگر همه آگاهی‌مان را از ابعاد مختلف شخصیت مولوی کناری بگذاریم و صرفا با مولف شعرهای این گزینه مواجه داشته باشیم، او را عالم ترین شخص به اصل و جوهره زبان خواهیم دید و نیز مهمب‌ترین نوآور زبان شعری، مسئله هم دقیقا این است که فارغ از همه معنویت و وجه اندیشمندانه شخصیت او تمامی اتفاقات این شعرها در زبان افتاده.

روزبهانی توضیح داد: به عبارت روشن‌تر جریان هوشمندانه خود زبان باعث آفرینش این متون و بلکه دگرگونی و وهم اندیشی مولف شده. این حیات حی

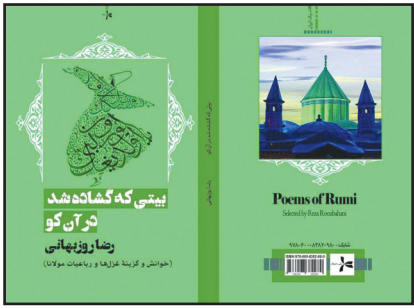
ساسانی بر ایران‌شهر و تباهی آرزمان‌شهر ایرانی. مانی، پیامبر بزرگ و پاکدل و صلح‌جوی ایرانی، همه عمر شصت و یک‌ساله خود را صرف گسترش شادمانی است و به همین جهت است که او برخلاف بسیاری از ادیان که به رسمیت نشناختن و رد کردن ادیان و باورهای دیگر را افتخاری برای خود می‌دانند، تمامی پیامبران و ادیان پیشین خود را به‌رسمیت شناخت و گرامی داشت. مانی پیامبر دینی به تمام معنا در پیوند با فرهنگ و هنر بود که خود و پیروانش بیش از همه ادیان دیگر از خود کتاب و آثار مکتوب و نگاره‌های بی‌همتا باقی گذاشتند. همچنین مانی پیام‌آور جهان‌شمول‌ترین دین جهان باستان بود که پیروانش به مدت قریب یک هزار سال در گستره‌ای از شمال اروپا تا شرق چین زندگی می‌کردند

یکی از شناخته‌شده‌ترین آیین‌های مانوی که در سراسر جهان امروز برجای مانده و به‌کار می‌رود و یادمان آن نیکومرد آنتستی‌جوی ایرانی است، شیوه‌دست‌آدن مردمان با دست راست است.

مانی، سرنوشت تلخی داشت، داستان بسیار ساده بود. همان‌گونه که بعدتر با مزدک و دیگران هم اجرا شد. مانی را به جلسه مناظره با میدیان در حضور بهرام یکم دعوت و او را در یک دادگاه تفتیش عقاید به جرم «کفر» محکوم به مرگ می‌کنند. او در زندان نیز نه تنها از پیام دین و آرزمان خود دست بر نمی‌دارد و توبه نمی‌کند؛ بلکه از هر فرصتی برای رساندن اندرز و شناساندن دین و اندیشه‌های خود برای جامعه بشری بهره می‌برد.

مانی به حکم میدیان پیرو صلح و آنتستی و تأیید بهرام‌شاه در شهریور روز از شهریورماه سال ۳۳۶ میلادی و در روزی که میدیان سرگرم آراستن مجلس جشن شهریورگان با این

رضا روزبهانی: ۱۳ سال روی این کتاب کار کردم



زبان بوده که معناها را به عشوهرگی واداشته. روزبهانی گفت: این کتاب در واقع جزر گزینه رباعی‌ها خوانش مدرنی از بهترین غزل‌های مولانا ست. خوانشی که منهای ذوق شخصی بنده بر زیبایی‌شناسی شاعری این‌ها اتفاق شده که نمی‌بایست چیزی همین حول و حوش سده چهارده هجری می‌زد.

این جسارتی بوده که بنده به پشتوانه سه دهه

آرزمان‌شهر ایرانی بوده‌اند، پس از شکنجه‌های هولناک کشته می‌شود و پیکرش را برای مدتی طولانی در دروازه کندیشاپور می‌آویزند. دروازه‌ای که تا صد‌ها سال بعد به نام «دروازه مانی» خوانده می‌شده‌است. در دوران اخیر زرتشتیان جشن شهریورگان را به عنوان روز پدر انتخاب کرده‌اند چرا که شهریور از امشاسپندان مردگونه؛ و به معنای شهریاری بر اراده و نفس است.

جشن روز پدر پیش از این در ماه پهمن و در جشن بهمنگان برگزار می‌شد اما هم‌اکنون روز جشن بهمنگان در گاهشمار رسمی کشور با نام «روز پاسداری از جانوران سودمند» نام‌گذاری شده است.

برگزاری روز پدر در شهریور

ایرانیان همواره، آیین‌هایشان را بر پایه مفاهیم گاهشماری، نام‌گذاری کرده‌اند و هرگز آیین‌ها و جشن‌هایشان به مناسبت زایش چهره یا شخصیتی نبوده‌است، روز مهر و دوستی را در جشن مهرگان پاس داشته‌اند، چون ایزد مهر پاسدار مهر، پیوند و عهد و پیمان است، روز مادر و زن را در اسفندگان، جشن گرفته‌اند چون اسفندماه زمان زایش و باروری زمین است و مادران همچون زمین، نماد باروری، زایش و زندگی هستند، جشن شهریورگان از آن روی به‌عنوان روز پدر برگزیده‌شده است که به معنای شهریاری بر اراده و نفس است.

شهریور یکی از ۶ امشاسپندانی است که در اوستا و گات‌ها از آن نام برده شده‌است. در اوستا سه تا از این امشاسپندان، زن‌گونه و سه‌تای دیگر مردگونه، هستند که شهریور از امشاسپندان مردگونه است. جشن پدر در جشن شهریورگان، درست ۶ماه پس از روز مادر و جشن اسفندگان برگزار می‌شود.

هم‌زیستی یا او به آن مبادرت کرده‌ام. در حقیقت گزینه‌ای که در این‌جا پیش روی شما ست بر

جنون‌مندی و وهم‌اندیشی مولانا در دو محور اصلی تمرکز دارد: ۱. اتفاقاتی که در زبان افتاده ۲. فضاسازی‌ها، فرم و تکنیک.

رضا روزبهانی گفت: در بخش غزل‌ها بی‌که مرزبندی و فصل‌بندی مشخصی وجود داشته باشد، بعد از قطعه «بیباچه»، حرکت از سمت شعرهایی که در آن‌ها رویکرده‌ای زبانی برجسته‌تر است به سمت شعرهایی که اتفاقات فرمیک و فضاسازی اهمیت بیشتری دارد. رباعی‌ها نیز به صورت ترتیب الفبایی آخرین حرف قافیه یا ردیف، در اولویت پسین الفبایی کردن بر اساس اولین حرف مصرع اول، تدوین شدند.

روزبهانی در پایان اشاره کرد که کتاب «بییتی که گشاده شد در آن کو» طی هفته‌ی بعد منتشر می‌شود و همچنین مراسمی برای رومانیی کتاب با حضور تعدادی از مولوی‌پژوهان و دست‌داران مولانا توسط ناشر کتاب برگزار خواهد شد.

یازدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگ اقوام در گرگان و گنبد کاووس



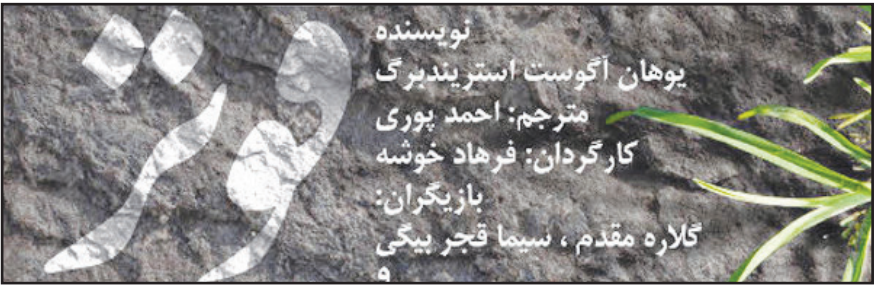
مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان از برگزاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگ اقوام ۴ روز در گرگان و ۳ روز در گنبد کاووس خبر داد.

ابراهیم کریمی افزود: این جشنواره ۱۳ لغایت ۱۶ شهریور ماه به مدت ۴ روز در شهرستان گرگان و ۱۸ لغایت ۲۰ شهریور در شهرستان گنبد کاووس با اجرای برنامه‌های به یاد ماندنی برگزار می‌شود.

وی به برنامه‌های اجرایی جشنواره یازدهم در این دو شهرستان اشاره کرد و افزود: موسیقی و آیین‌های اقوام مختلف از سراسر کشور، نمایش و فروش صنایع دستی هنرمندان استان‌های مختلف، ایجاد سیاه چادر عشایر و اقوام مختلف و ایجاد بوم کلیه گردشگری روستایی در محوطه بیرونی جشنواره و همچنین معرفی و فروش سوغات استان‌های شرکت کننده از جمله برنامه‌های این جشنواره است.

مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان تصریح کرد: هدف از

نویسنده
یوهان آگوست استریندبرگ
مترجم: احمد پوری
کارگردان: فرهاد خوشه
بازیگران:
گلاره مقدم، سیما قاجر بیگی



مستقل

۵

چهارشنبه ۱ شهریور ■ شماره ۲۱۹

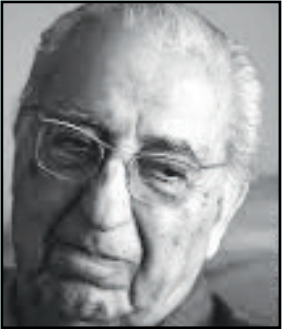
یاد

مرد بناهای ماندگار

مشتی خاک ایران با خود برد



الهام نیرسی‌فردانبه-روزنامهنگار



با پیشرفت عکاسی و فرایگر شدن عکاسی، بناهای تاریخی به سوزهایی برای عکس تبدیل شده‌اند و به مدد این امکانات زیبایی و جادوی معماری ایرانی روز به روز معروف تر و همه گیرتر می‌شود. آرامگاه‌ها در این میان از بناهای مورد توجهی است که جلوه‌گاه نگاه ، هنر و معماری ایرانی است.امروز روز پزشک است و به نام بوعلی بهتر یادی کنیم از معمار آرامگاه او که امروز سالروز تولد او نیز هست: هوشنگ سیحون.

سیحون در خانواده‌ای آشنا با موسیقی به دنیا آمد. پدربزرگ او میرزا عبدالله فراهانی از

پیشگامان موسیقی سنتی و معروف به پدر موسیقی سنتی ایران بود. مادر وی، مولود خانم، از نوازندگان تار و سهار و نیز دایی او احمد عبادی، استاد بزرگ ستار بود.

او پس از پایان تحصیل معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به دعوت آندره گذار (رئیس اداره باستان‌شناسی وقت ایران) برای ادامه تحصیل راهی پاریس شد و در دانشسرای عالی ملی هنرهای زیبای پاریس (بوزار) طی حدود ۳ سال زیر آموزش اوتلو زاورونی به تکمیل دانش معماری خود پرداخت و در سال ۱۹۲۹ به درجه دکتری هنر رسید. او پس از بازگشت به ایران، طی سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۷ ریاست دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را برعهده داشت که از فعالیت‌های او تأسیس سه رشته شهرسازی، تئاتر و موسیقی بود.

هوشنگ سیحون در سن ۲۳ سالگی نخستین اثر معماری خود که بنای یادبودی بر آرامگاه بوعلی سینا بود را طراحی کرد.

سیحون در طول سال‌های فعالیت خود عضو شورای ملی باستان‌شناسی، شورای عالی شهرسازی، شورای مرکزی تمام دانشگاه‌های ایران و کمیته بین‌المللی ایکوموس (Icomos) وابسته به یونسکو در پیش از انقلاب) بوده و به مدت ۱۵ سال مسئولیت مرمت بناهای تاریخی ایران را برعهده داشته‌است.

وی بیش از دو دهه در ونکوور کانادا زندگی کرد. او همچنین شهروند افتخاری فرانسه نیز بود. معماری را مانند شعر می‌دانست و معتقد بود: «لیک معمار خوب باید مثل یک شعر عالی ساده، سهل و متنوع باشد. از شلوغی و درهم برهمی بی‌اندازه گریزانم. نقشه ساده همیشه زود خوانده می‌شود و اشخاص را گمراه نمی‌کند. طرح نقشه یک ساختمان مثل حل یک مسئله است. باید همیشه ساده‌ترین راه حل را در نظر گرفت و از راه‌های پیچ در پیچ صرف نظر کرد. برای هر یک از مصالح ارزش مخصوص به خودش را قائلم و همیشه سعی کرده‌ام با به کار بردن به موقع آن‌ها ارزش واقعی آن‌ها را به معرض دید بگذارم.»

سیحون در کنار معماری، به نقاشی از مناظر و روستاهای ایران می‌پرداخت و نمایشگاه‌هایی از آثار خود را، در ایران و در خارج از ایران برپا کرده‌است. آثار وی در نمایشگاهی در دانشگاه ماساچوست در سال ۱۹۷۲ در کنار آثار هنرمندانی چون پیکاسو و سالوادور دالی به نمایش درآمد. در این نمایشگاه تابلویی از «کلاف‌های خطی» را به نمایش گذاشت که در آن از خطوط موازی و پر پیچ و تاب استفاده کرده بود، که هم‌دیگر را قطع نمی‌کردند. دانشگاه‌هایی مثل MIT، هاروارد، واشینگتن و برکلی مجموعه‌ای از نقاشی‌های او را گردآوری کرده و نگهداری می‌کنند. آرزو داشت در ایران به خاک سپرده شود و نشد. او را با درفش کوبانی و مشت‌ی از خاک ایران در مقبره موقتی در گورستان فارست لاون اسپنلس به خاک سپرده اند.

کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر

کافه‌ای به نام چرا

کافه‌ای به نام چرا با عنوان دوم، مکانی برای یافتن چراهای زندگی، یک کتاب در زمینه خودشناسی محسوب می‌شود.

این کتاب توسط جان پی. استرکلی نوشته شده و تا به حال در بیش از ۳۰ کشور ۵ قاره جهان به فروش رسیده است و همچنان به مردم دنیا کمک می‌کند هدف وچودشان را شناسایی کنند و با استفاده از آن به زندگی مطلوبشان دست یابند. اولین چیزی که در این کتاب با آن برخورد می‌کنید، جمله‌ای از نیچه است: کسی که چزای زندگی را یافته، با هر چگونی‌ای نیز خواهد ساخت.

داستان کتاب کافه‌ای به نام چرا

ماجرای این کتاب در یک کافه رخ می‌دهد. جایی که در آن، جان با افرادی که در کافه هستند در مورد سؤالات خاصی صحبت می‌کنند. جان یک هفته مرخصی گرفته است و می‌خواهد از هر چیزی که مربوط به کار است دور باشد و یک تعطیلات خوب را سپری کند. اما در راهنندان جاده گیر می‌افتد و چون حوصله ماندن در ترافیک را ندارد، تصمیم می‌گیرد از راه دیگری به مقصد خود برسد. اما در تلاش برای پیدا کردن راه دیگر، مسیر خود را گم می‌کند و در نهایت سر از کافه چرا در می‌آورد. در آن کافه، مشتریان تشویق می‌شوند که درباره سه سؤال فکر کنند:

چرا اینجا هستید؟ آیا از مرگ می‌ترسید؟ آیا رضی هستید؟

درباره کافه‌ای به نام چرا

این کتاب بسیار ساده و روان نوشته شده است، اما جملات و قصه‌هایی که در آن وجود دارد، بی‌نهایت زیبا و الهام بخش هستند.

در قالب یک بحث فلسفی خیلی ملایم، نکته‌هایی گفته می‌شود که می‌تواند هر فردی را به فکر فرو ببرد. مهم‌ترین بحثی که در این کتاب به آن پرداخته می‌شود همان سؤال اول، یعنی «چرا اینجا هستید؟» است و باید گفت که این موضوع در قالب مثال‌های ساده بسیار شفاف پاسخ داده می‌شود، به نحوی که هر کسی می‌تواند به چرایی وجودش فکر کند و جوابی برای آن پیدا کند. پیشنهاد می‌کنم حتما این کتاب را بخوانید و از مطالب زیبایی آن هم لذت ببرید و هم استفاده کنید.این کتاب شباهت زیادی هم به یک سری از مباحث کتاب ندیای سوفی دارد.

قسمت‌هایی از متن کتاب

گاهی به طور غیرمنتظره خودتان را در مکانی می‌یابید که برای تان تازگی دارد و در آنجا با آدم‌هایی آشنا می‌شوید و مطالبی را از آن‌ها یاد می‌گیرید که شاید به شدت مورد نیازتان باشد. این، اتفاقی بود که یک شب در جاده‌ای تاریک، خلوت و دورافتاده برآیم رخ داد. احساس می‌کردم زندگی ام را با پول مبادله می‌کنم و این معامله خوبی به نظر نمی‌رسید. وقتی کسی بداند چرا اینجااست، چرا خلق شده و برای چه زنده است، می‌خواهد رساتش را به انجام برساند مثل این است که جای کنج را روی نقشه بدانی. هر روز آدم‌های زیادی هستند که سعی دارند وسوسه ات کنند وقت و انرژی ات را صرفشان کنی. برای مثال، ایمیل‌هایت را در نظر بگیر. اگر قرار باشد در هر فعالیت، خرید، یا خدمتی که از طریق ایمیل‌ها به تو پیشنهاد می‌شود شرکت کنی، هیچ وقت آزادی برایت باقی نمی‌ماند. تازه این فقط مربوط به ایمیل‌هایت می‌شود. علاوه بر این، آدم‌هایی را در نظر بگیر که تشویقت می‌کنند پای کدام برنامه تلویزیون بشینی، کجاها غذا بخوری، کجاها بگردی... و یک وقت به خودت می‌آیی و می‌بینی‌ای دل غافل! داری همان کارهایی را می‌کنی که همه می‌کنند، یا می‌خوانند.بکنی. هیچ کس غیر از خودت نمی‌تواند بگوید چه چیز باعث رضایت و خشنودی تو می‌شود، پس خودت باید آن را شناسایی کنی. زندگی حکایتی بی‌نظیر است، فقط بعضی از آدم‌ها متوجه نمی‌شوند که خودشان نویسنده این حکایت هستند و می‌توانند آن را هر طور که می‌خواهند بنویسند.

وقتی با دید باز و گسترده به مسائل بنگریم، فشارها، نگرانی‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها، دیگر در نظرمان کوچک می‌شوند.